|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی◼کارشناسی🞎 رشته: *عکاسی*  ترم: *دوم*  سال تحصیلی: 1398- 1399  نام درس: *عکاسی معماری* نام ونام خانوادگی مدرس: *میلاد پروز*  آدرس emailمدرس: [miladparvaz237@gmail.com](mailto:miladparvaz237@gmail.com) تلفن همراه مدرس:*09125493397* |
| جزوه درس: *عکاسی معماری* مربوط به هفته : پنجم◼  text: دارد ◼ندارد🞎 voice:دارد🞎 ندارد◼ power point:دارد🞎 ندارد◼  تلفن همراه مدیر گروه : ............................................ |
| جلسه پنجم:  **عناصر بصری و ترکیب بندی**  این عناصر برای برخی هنرمندان همه چیز است.  تعداد این عناصر زیاد است اما مهمترین آنها به شرح زیر است. روابط بین آنها هم جز این دسته بندی محسوب می شود.  **خط ، رنگ ، بافت ، تنالیته ، زاویه دید ، پرسپکتیو ، وضوح ، کنتراست ، زمان اکسپوژر ، ریتم ، ترکیب بندی ، عمق میدان ، کراپ ، نور ، وسعت دید ، پترن ، تناسب ، فرم و....**  مفهوم کلی فرم همه ی عناصر قبل را شامل می شود اما معنای خاص فرم به معنای فرم یک شکل منظور است.  با ترکیب این عناصر به ترکیب هایی مثل تعادل ، پویایی ، حرکت و ... می رسیم.  همه ی این عناصر تصویر می سازند اما **ساخت تصویر مثل گذشته یک گرامر مشخص ندارد**  این فرهنگ ها هستند که قواعد دارند (پرسپکتیوهنر ایرانی با مصر فرق دارد). و این موارد بنا به دوره تاریخی و فرهنگ متفاوت و متنوع هستند.  مثلا در هنر سنتی ایران، ایرانی ها قراردادی دارند که هر چه شی در تصویر پاببن تر باشد یعنی به ما نزدیک تر است اما در غرب اینگونه نیست و بالا به معنی دورتر نیست.  مثلا مصری های انسان را از یک زاویه نمی کشیدند. نیم رخ می کشیدند اما هر دو چشم دیده می شد. این موارد نشان قدرت فرهنگ در به تصویر کشیدن چیزی است.  عکاسی به دلیل به هم آمیختن اپتیک فیزیکی و ثبت شیمیایی ، وهمچنین چون علمی به نظر می رسد تصور بر طبیعی بودن و بدیهی بودن بوده است در حالی که امروزه می پذیریم اینگونه نیست و قراردادی است.  فرهنگ های مختلف تصاویر متفاوت دارند و عکاسان بر اساس فرهنگ خود تصویر خلق می کنند. (البته فرهنگ عکاسی تحت تاثیر سلطه عکاسی غرب است).  هرچند گرامر جهانی برای ثبت تصویر نداریم اما اشتراکاتی وجود دارد.  در مورد تفاوت تصویر و کلام می توان گفت استقلال نسبی اجزا در کلام در تصویر نیست . (جمله را می توان به کلمه و بعد حرف تقسیم کرد). مثلا در عکاسی این خط کنار آن رنگ و از این زاویه منجر به ایجاد این حس می شود. پس می بینید که استقلالی در اجزا به طور مطلق وجود ندارد. و همیشه تصویر قابل تبدیل به زبان نیست.  **عناصر تصویر:** شکل هایی که از شکل واقعی جدا شده اند.  **انتزاع(abstract):** جدا شده یا تکی \_ از واقعیت دور شده  **عناصر تصویر**  **نقطه:**  همه عناصر را نسبی در نظر بگیرید ممکن است دایره ای در عکس نقطه در نظر گرفته شود.  **خط:**  نقش خط در عکس قابل تامل است. (خط در مجموع امر ذهنی و انتزاعی است). رابطه اشیا را خط می دانیم.  خط انواع مختلف دارد و احساس متفاوتی ایجاد می کند: خط مستقیم، مایل، عمود، منحنی، افقی و....  خط پدیده ها را توصیف می کند اما در کنار توصیف بیانگری می کند و حس دارد. می تواند خشونت و ملایمت را منتقل کند.  خط می تواند اشیا را وصل یا جدا کند. خط می تواند ادامه نگاه در یک تصویر باشد. یا با قرار گرفتن چند عنصر کنار هم تلویحا خط داریم.  اگر درست عمل کنیم از این عناصر برای رسیدن به هدف باید استفاده کنیم.  از دوران کهن رنگ و خط در تقابل بودند و عده ای طرفدار رنگ و برخی علاقه مند به خط بودند. در رنگ عمق تدریجی داریم اما خط و در دیدن خط گونه ، عمق تدریجی کمتر مواجه هستیم و عناصر جدا و متمایز تر هستند.  عناصری که خط به ذهن می آورد و تحت تاثیر خط شناخته می شوند: عموما تصاویر مردان عمودی است. اقتدار عموما با خط عمود است (فعال) و عموما تصاویر خانم ها افقی است، آرامش با خط افق است (منفعل). البته طبیعتا کسانی هستند که با نگاهی دیگر به زن این دیدگاه را دستخوش تغییر کرده اند. و این دلیل دیگری که حتی گرامرهای گذشته هم تغییر می کنند و مفهوم باید از زمینه برداشت شود.  ترکیب بندی های امروز خیلی نامتقارن تر از گذشته است. در گذشته زیبایی آرام اهمیت داشت اما امروزه انتظار نداریم عکس ما برای ما آرامش بیاورد. (نادیده گرفتن مفاهیم به معنی اینکه هرکس ، هر کار کرد درست است هم غلط است)  **رنگ:**  رنگ خیلی حسی تر از خط است. بیان های متفاوت دارد. حس های مختلف ایجاد می کند. نماد و معانی متفاوت دارد.  مشترکات در مورد رنگ بخشی به وجود ما بر می گردد اما در مواردی فرهنگ و اقلیم تاثیر داشته است.  هر رنگی یه طول موج دارد که تاثیری بر افراد می گذارد که بر این اساس معدلی گرفته می شود و اصولی تدوین می شود. (اما ایراد این است که آزمایش ها در یک دوره خاص و مردم خاص انجام می گیرید و حکم قطعی بدون ایراد نخواهد بود).  مثلا رنگ قرمز در فرهنگ ما هم رنگ شهادت است و هم نماد شمر. یا اینکه رنگ سرد و گرم مبنای علمی ندارد و فقط چون چیزهایی را به یاد مردم می آورد اینگونه است و در ذات خود اینگونه نیست. تغییر مفهوم رنگ سبز در ایران قبل و بعد از سال 88. خیلی مناطق و مواقع رنگ آبی را معادل آتش و خیلی مواقع قرمز را رنگ آتش می دانیم.  Color and culture کتابی که به رنگ و فرهنگ و تغییرات معانی رنگ ها در فرهنگ ها می پردازد.  **شکل و فرم:**  ترکیب نقاط و خطوط شکل ها را به وجود می آورند. می توانیم دو بعدی یا سه بعدی (ایجاد فرم) باشند.  **بافت:**  ماهیت شکل را بیان می کند.  **ریتم:**  نوعی تکرار که باعث تقویت عکس یا هدایت چشم می شود.  **کنتراست:**  اصولا یاد سایه و روشن می افتیم اما منظور ما از کنتراست معنای عام تر آن است. اشیا کوچک در برابر بزرگ، متحرک در برابر ساکن، وضوح در برابر عدم وضوح، بافت متفاوت و.... همه کنتراست ایجاد می کنند.  توجه به این نوع کنتراست ها در اجزا شروع مناسبی در اختیار عکاس قرار می دهد.  **Crop:**  کراپ می تواند معنای یک عکس را تغییر دهد و یا ترکیب بندی عکس را از خوب به بد یا بر عکس تغییر دهد . می تواند عکس زشت را به زیبا تبدیل کند.  تا قبل از اختراع عکاسی کمتر نقاشی می دیدیم که بدن و اجزاء بدن سوژه قطع شده باشند (نیمه باشند) اما رفته رفته کراپ های عکاسانه در نقاشی رایج شد.  **زاویه دید (Angle of view):**  موضع دوربین نسبت به موضوع (مخصوص عکاسی)   1. زوایای متعارف: زوایایی که معمولا دنیا را با آن زاویه می بینیم 2. زوایای غیر متعارف: زوایای جدید (آشنایی زدایی: عملی که یک آشنا را به غریبه مبدل کند) \_ دید کرم، دید پرنده\_ رودچنکو   **ترکیب بندی:**  ترکیب بندی به معنی چگونگی جایگزاری عناصر در یک سطح . ساماندهی عناصر تصویر  **برخی قواعد آشنا در ترکیب بندی:**  برخی نکات که تجربه نشان داده از نظر بصری تاثیرگذار است مگر اینکه دلیل موجه دارید که .....   1. **متقارن:** ترکیب های متقارن برای نشان دادن استحکام، پایداری، قدرت و حتی سادگی 2. **خطوط قطری (مورب) :** چشم از یک سمت به سمت دیگر هدایت می شود (نسبت به خطوط افقی انرژی بیشتری دارند) 3. **قاب بندی:** قرار دادن قاب در قاب موجب می شود توجه بیننده به سمت موضوع جلب شود. 4. **الگوهای هندسی:** نظیر مستطیل ها، مثلث ها و... به دلیل اینکه خود قاب تصویر مستطیل است باعث هماهنگی می شود. 5. **نقاط مهم:** نقاط مهم تصویر نباید زیاد باشند و یا از دست بروند 6. **قانون یک سوم :** نقاط و خطوط طلایی   اما اینکه هدف چیست و آیا هدف زیبا تر کردن تصویر است یا با ترکیب بندی خاص دنبال انتقال مفهومی هستیم فرق می کند.  مثلا امروزه اعتقاد داریم رعایت همه ی تناسب های کلاسیک ترکیب بندی (یک سوم ها و...) که از یونان آمده است، منجر به کسل کننده شدن تصویر می شود مواردی که زمانی بهترین محسوب می شد.  در کل این عناصر در خدمت هنرمند و در خدمت زیبایی تصویر هستند (فراموش نشود زیبایی هم امری نسبی است). می توان گفت خود هنر امروز نمی خواهد که فرمول پذیر باشد و با جهان هنری پر از عدم قطعیت مواجه هستیم. |